

خوانش مثنوی معنوی مولانا بر اساس مکتب سوررئالیسم

پروانه شاپوش^۱

^۱ دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

چکیده

سوررئالیسم پر جنبش‌ترین و پر هیاهوترین مکتب ادبی قرن بیستم بود، که ادبیات ملل مختلف را تحت تأثیر قرار داد. این نهضت را می‌توان دنباله‌رو رمانتیسم دانست، که از تحلیل ناخودآگاه فروید شکلی نو پیدا کرده است، با نیروی ضمیر پنهان دنیای تازه‌ای به روی همه ایجاد کرد و نیز برای ادبیات طرحی نو را فراهم آورد. برخورد سنت و صنعت در قرن بیستم اروپا در تفکر و کلام تحولی ایجاد کرد و شاعرانی نوپرداز را خلق کرد. هر عرصه‌ای از فعالیت‌ها فلسفه‌ای دارد که همان اصول، روش و ویژگی هاست، مانند فلسفه هنر و شعر، حال مکتب سوررئالیسم هم دارای فلسفه‌ای است و بالطبع اصولی دارد. می‌توان گفت، بیشتر مولفه‌های اصول مکتب سوررئالیسم با عرفان و تصوف تشابهاتی دارد. از جمله: بداهه‌گویی، جنون و مستی، خواب و رویا، هزل و طنز، رها شدگی، ترجیح عشق بر عقل، توسل به نیروی وهم و خیال که در اشعار شاعرانی چون مولانا نمود پیدا کرده است. در این پژوهش ابتدا به تئوری‌های مکتب ادبی سوررئالیسم و اصول آن سپس به تشابه بین این نهضت با تصوف و انطباق آن با مولانا و اشعارش در مثنوی پرداخته خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: سوررئالیسم، عرفان و تصوف، مثنوی معنوی، مولانا